



انعام (چار پایان)

انعام، نامی برای چهارپایان دامی می‌باشد.

فهرست مندرجات

- ۱ - معنای لغوی و اصطلاحی
- ۲ - در قرآن
 - ۲.۱ - نقش انعام در زندگی انسان
 - ۲.۱.۱ - جمال و زینت بودن
 - ۲.۱.۲ - حمل بار های سنگین
 - ۲.۱.۳ - لوازم و اثاث منزل
 - ۲.۱.۴ - مالکیت انسان
 - ۲.۱.۵ - مرکب بودن
 - ۲.۲ - شرافت بر سایر موجودات پس از انسان
 - ۲.۳ - هدف از آفرینش انعام
 - ۲.۴ - مایه عبرت بودن انعام
 - ۲.۵ - اقسام انعام
 - ۲.۶ - زوج بودن انعام
 - ۲.۷ - اشتراک با انسان در بهره‌مندی از نعمت‌ها
- ۳ - انعام و مبارزه با عقاید جاهلی
 - ۳.۱ - عقاید خرافی مشرکین
 - ۳.۲ - تشبیه کافران به چهارپایان
 - ۳.۲.۱ - در بهره‌گیری از متاع دنیا
 - ۳.۲.۲ - عدم تعقل
- ۴ - حکم زکات چهارپایان دامی
- ۵ - فهرست منابع
- ۶ - پانویس
- ۷ - منبع

معنای لغوی و اصطلاحی

- واژه «انعام» جمع «نعم» در اصل به جهت اهمیت شتر نزد عرب و به شمار آمدن آن از نعمت‌های ویژه^[۱] مقایس اللغه، ص ۴۴۶.
- ^[۲] مفردات، ص ۸۱۵، «نعم».
- ، به سبب اجتماع منافع شیردهی، باربری، رکوب و مصرف خوراکی گوشت آن^[۳] تفسیر قرطبی، ج ۱۰، ص ۴۷.
- یا به سبب نرمی (نعومت) پا^[۴] مجمع‌البیان، ج ۴، ص ۵۷۰.
- بر این حیوان اطلاق شده و سپس به چهارپایانی چون گاو و گوسفند تعمیم داده شده است. گروهی از واژه‌شناسان، شرط صحت اطلاق این واژه بر یک مجموعه از چهارپایان را، وجود شتر در آن مجموعه می‌دانند^[۵] مفردات، ص ۸۱۵.
- ^[۶] بصائر ذوی التمییز، ج ۵، ص ۹۰-۹۱.
- ^[۷] لسان‌العرب، ج ۱۴، ص ۲۱۲، «نعم».
- برخی نیز «انعام» را اشاره به انواع منکور و تنها «نعم» را ویژه شتر دانسته‌اند^[۸] المصباح، ص ۶۱۴.
- ^[۹] الفروق اللغویه، ص ۸۲.
- ^[۱۰] تاج‌العروس، ج ۱۷، ص ۶۹۶، «نعم».

البته اگر وجه این نامگذاری را نرمی و آرامی حرکت بدانیم، چنانکه برخی بر آن اند،

[۱۱] التبین، ج ۶، ص ۳۶۱.

[۱۲] التفسیر الکبیر، ج ۱۱، ص ۱۲۵.

[۱۳] تفسیر قرطبی، ج ۶، ص ۲۴.

اشتمال واژه «انعام» بر گاو و گوسفند و بز، غیر تبعی و تعمیم آن به اسب و استر و گورخر و..

[۱۴] الفروق اللغویه، ص ۸۲.

[۱۵] الفرقان، ج ۷، ص ۳۱۱.

[۱۶] التحقیق، ج ۱۲، ص ۱۸۱، «نعم».

[۱۷] الفرقان، ج ۱۴، ص ۲۸۰.

بیوجه خواهد بود. در دامنه معنایی «انعام» به برخی آیات استدلال شده که ذیل آیت مورد نظر خواهد آمد.

در قرآن

واژه «نعم» یک بار و واژه «انعام» ۳۲ بار در قرآن بهکار رفته است؛ همچنین ششمین [سوره قرآن](#) «انعام» نامیده شده که شاید وجه این نامگذاری، بیان تفصیلی احوال چهار پایان در این سوره باشد.

[۱۸] الموسوعة القرآنیة، ج ۳، ص ۴.

← نقش انعام در زندگی انسان

آیه ۵ سوره نحل

[۱۹] نحل/سوره ۱۶، آیه ۵.

پس از بیان آفرینش انسان به آفرینش چهار پایان برای منفعت رسانی به انسان پرداخته است

[۲۰] التبین، ج ۶، ص ۳۶۱-۳۶۲.

[۲۱] مجمعالبیان، ج ۶، ص ۵۳۹.

«والانعم خلقها لکم...» و در ادامه به ذکر فواید آن اشاره کرده است. ابتدا به هرگونه پوشش حاصل از پوست، پشم، کرک و موی چهار پایان دامی، با واژه «دفع» اشاره کرده، سپس با کلمه «منافع» به شیر و مشتقت آن، منفعت رکوب، منافع حاصل از پوست و پشم و کرک و موی آنها

[۲۲] التبین، ج ۶، ص ۳۶۲-۳۶۱.

[۲۳] مجمعالبیان، ج ۶، ص ۵۳۹.

غیر از پوشش پرداخته

[۲۴] المیزان، ج ۱۲، ص ۲۱۱.

و سپس با جمله «و منها تأکلون» به گوشت چهار پایان دامی اشاره دارد که هر سه مجموعه در زندگی انسان نقش مهمی ایفا می‌کنند: «... فیها دفءٌ و منفعٌ و منها تأکلون» برخی تقدم «منافع» بر «منها تأکلون» را به ارزش و اهمیت بیش‌تر لبنیات نسبت به گوشت، اشاره دانسته‌اند.

[۲۵] نمونه، ج ۱۱، ص ۱۵۹.

← جمال و زینت بودن

در آیه بعد شکوه و زیبایی بازگشت گله چهار پایان به استراحتگاه و نیز هنگام رفتن به چراگاه را متذکر شده و از این رفت و برگشت به «جمال» یعنی زینت تعبیر کرده است: «و لکم فیها جمالٌ حین تریحون و حین تسرحون»

[۲۶] نحل/سوره ۱۶، آیه ۶.

که دیدن این دو منظره زیبا مایه سرور انسان است: برخی استغنا و خورکفای و استقلال اقتصادی حاصل از این امور را وجه جمال و زینت بودن دانسته‌اند

[۲۷] نمونه، ج ۱۱، ص ۱۵۹.

وجه تقدم «زمان بازگشت به استراحتگاه» بر «زمان رفتن به چراگاه» را فزونی زیبایی زمان بازگشت به جهت سیر بودن گله و نیز پر شیر بودن پستان‌های آن و... بر زمان رفت دانسته‌اند.

[۲۸] جامعالبیان، مج ۸، ص ۱۴، ۱۰۸.

[۲۹] التبین، ج ۶، ص ۳۶۲.

[۳۰] زادالمسیر، ج ۴، ص ۴۳۰.

← حمل بار های سنگین

در آیه ۷ سوره نحل،

[۳۱] نحل/سوره ۱۶، آیه ۷.

به حمل بار های سنگین به آبادی های دور و در راه های دشوار به وسیله انعام پرداخته که البته این قسمت تنها شتر و بعضی گاو های باربر را شامل می شود: «و تحمِلُ اَنْعَامُکُمْ اِلَى بُلْدٍ لَمْ تَکُونُوا بَلِغِیْهِ اِلَّا بِشِقِّ الْاَنْفُسِ» در پایان این مجموعه آیت، آفرینش چهار پایان و تسخیر آن را برای آمدنی نتیجه رحمت و رافت الهی دانسته است

[۳۲] مجمعالبیان، ج ۶، ص ۵۳۹، ۵۴۰.

«رَأَى رَبَّکُمْ لَئِنْ کَفَرْتُمْ لَیْسَ لَکُمْ رَحِیْمٌ» در آیت بعد، از دسته های دیگر از حیوانات چون اسب، استر و الاغ نام برده و آن ها را برای رکوب و مایه زینت دانسته است. برخی از این تقابل، انحصار «انعام» در گاو و شتر و گوسفند و عدم شمول آن بر اسب و الاغ و استر را استفاده کرده اند.

[۳۳] تفسیر قرطبی، ج ۶، ص ۲۵.

← هدف از آفرینش انعام

از مجموعه آیت ذکر شده می‌توان به هدف از آفرینش چهارپایان دامی و نقش آن در زندگی [انسان](#) و وظیفه او در برابر این نعمت پی برد، چنان که آیه ۳۶ [سوره حج](#) [۴۹] [حج/سوره ۲۲، آیه ۳۶](#). پس از بیان [ذبح قربانی](#)، غایت تسخیر انعام را شکرگزاری دانسته است: «... كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِئَكْم تَشْكُرُوا» همچنین آیه ۳۷ [حج](#) نیز هدف را یادکرد خداوند به عظمت دانسته است: «... كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِئَكْم تَشْكُرُوا اللهُ عَلَى مَا هَدَاكُمْ...».

← مایه عبرت بودن انعام

در آیت ۶۶ [سوره نحل](#) [۵۰] [نحل/سوره ۱۶، آیه ۶۶](#). و ۲۱ [سوره مؤمنون](#) [۵۱] [مؤمنون/سوره ۲۳، آیه ۲۱](#). انعام، مایه [عبرت](#) انسان دانسته شده‌اند. در هر دو آیه پس از بیان عبرت بودن چهارپایان دامی از ماده غذایی مفید (شیر) یاد می‌کند و سپس به پیدایش [شیر](#) از میان [فروت](#) ([سرگین](#)) و [بیم](#) ([خون](#)) اشاره می‌کند. از این بیان استفاده می‌شود که وجه عبرت بودن انعام، چگونگی تولید مایعی گوارا از ماده‌ای همچون خون است که طبق بیان محققان برای تولید یک [لیتر](#) شیر لازم است ۵۰۰ لیتر خون از عضو سازنده شیر در پستان‌ها بگذرد و برای تولید یک لیتر خون در رگ‌ها باید مواد غذایی فراوانی از روده‌ها بگذرد. [۵۲] [نمونه، ج ۱۱، ص ۲۹۲](#).

و یا شاید وجه عبرت بودن این پدیده آن باشد که کسی که شیر را از سرگین و خون، پاک نگاه داشته و از اختلاط آن‌ها جلوگیری کرده، قادر است که انسان را دوباره زنده کند، هر چند استخوانش پوسیده و اجزایش در [زمین](#) گم شده باشد [۵۳] [المنیر، ج ۱۴، ص ۱۷۴](#).

[۵۴] [مجمع البیان، ج ۶، ص ۵۷۲](#).

[۵۵] [المیزان، ج ۱۲، ص ۲۸۹](#).

، چنان‌که گفته شده «عبرت» دلیلی است که با آن بر مدبر بودن [خداوند](#) در امر [آفرینش](#)، [استدلال](#) می‌شود .

[۵۶] [المیزان، ج ۱۵، ص ۲۳](#).

و ایجاد و آفرینش شیر از مدبر بودن [خداوند](#) حکایت می‌کند، چنان‌که انقیاد و رام شدن چهارپایان دامی در برابر انسان و بهر برداری از آن‌ها و استفاد از شیر و [گوشت](#) و سواری آن‌ها نیز بر این [تنبیه](#) دلالت دارد

[۵۷] [تفسیر قرطبی، ج ۱۰، ص ۸۱](#).

در ادامه آیه ۲۱ مؤمنون

[۵۸] [مؤمنون/سوره ۲۳، آیه ۲۱](#).

و در آیت بعد به منافع فراوان و همچنین مصرف خوراکی و رکوب بر آن‌ها پرداخته شده است که این امور نیز با لازمه آن، یعنی [انقیاد](#) چهارپایان دامی مایه عبرت است: «... و لَكُمْ فِيهَا مَنفَعٌ كَثِيرَةٌ و مِنهَا تَأْكُلُونَ • و عَلَيْهَا و عَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ».

[۵۹] [مؤمنون/سوره ۲۳، آیه ۲۲ ۲۳](#).

در آیه ۲۷ [فاطر](#)

[۶۰] [فاطر/سوره ۳۵، آیه ۲۷](#).

، عبرت گرفتن از تنوع و گوناگونی رنگ مردم و انعام را که موجب ایمان حقیقی و خشیت الهی است ویژه آگاهان و عارفانی می‌داند که شناخت کامل به اسما و صفت و افعال خداوندی دارند.

[۶۱] [المیزان، ج ۱۷، ص ۴۳](#).

← اقسام انعام

آیه ۱۴۲ انعام

[۶۲] [انعام/سوره ۶، آیه ۱۴۲](#).

چهارپایان دامی را به دو دسته «خموله» و «فروش» تقسیم کرده که در مجموع [حموله](#) به چهارپایانی با قابلیت حمل بار و سواری دادن (مانند [شتر](#)) و فرش به چهارپایانی که بر اثر کوچکی اندام چنین قابلیت نداشته و تنها از [گوشت](#) و [شیر](#) آن‌ها استفاده می‌شود (مانند [گوسفند](#) و [بچه شتر](#)) اطلاق می‌شود: «و مِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةٌ و فَرَشًا...» آیه پس از این تقسیم‌بندی، به خوردن روزی‌های الهی فرمان داده و [انسان](#) را از پیروی گام‌های شیطان باز داشته است. از این قسمت آیه استفاده می‌شود که تحریم [حلال خدا](#) که مردم در [جاهلیت](#) به آن می‌پرداختند، خواسته [شیطان](#) و پیروی از این خواسته است.

در ادامه این مجموعه چهارپایان دامی را به تفصیل به ۸ [زوج](#) تقسیم کرده است: «تَمَيِّنَةُ أَرْوَاحٍ مِنَ الضَّالِّينَ اثْنَيْنِ و مِنَ الْمَعْرِ اثْنَيْنِ...»

[۶۳] [انعام/سوره ۶، آیه ۱۴۳ - ۱۴۴](#).

۸ زوج بودن چهارپایان دامی چهارگانه به اعتبار [نر](#) و [ماده](#)

[۶۴] [مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۸۱](#).

[۶۵] [المیزان، ج ۷، ص ۳۶۴](#).

[۶۶] [المیزان، ج ۷، ص ۳۶۵](#).

[۶۷] [المیزان، ج ۱۷، ص ۲۳۸](#).

یا اهلی و وحشی بودن

[۶۸] [تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۴۷](#).

[۶۹] التین، ج ۴، ص ۳۰۰.

[۷۰] مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۸۱.

این مجموعه است. ذکر این ۸ زوج و **آفرینش** آن‌ها برای **انسان** در آیه ۶ **سوره زمر** نیز آمده است: «... وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَنِاتٍ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ، إِبْرَاهِيمَ وَأَسْرٰهٖمَ وَآفْرٰهٖمَ» که در معنای انزال انعام، ایجاد و آفرینش

[۷۱] مجمع البیان، ج ۸، ص ۷۶۶.

یا فرود آمدن از بهشت به عالم دنیا

[۷۲] مجمع البیان، ج ۸، ص ۷۶۶.

[۷۳] المیزان، ج ۱۸، ص ۲۵۸.

گفته شده است. البته چون اصل و خزانه هر چیز نزد خداست، به‌کارگیری تعبیر انزال درباره آفرینش چهارپایان می‌تواند تعبیری استعاری باشد.

[۷۴] المیزان، ج ۱۷، ص ۲۳۸.

← زوج بودن انعام

در آیه ۱۱ **سوره شوری**

[۷۵] **شوری/سوره ۴۲، آیه ۱۱.**

نیز پس از بیان آفرینش همسرانی برای انسان، به **خلقت** ۸ **زوج** چهارپایان دامی اشاره شده است

[۷۶] جامع البیان، مج ۱۳، ج ۲۵، ص ۱۷.

[۷۷] التین، ج ۹، ص ۱۴۸.

[۷۸] تفسیر این کثیر، ج ۴، ص ۱۱۷.

«جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا...» و سپس با قید «بِزَوْجِكُمْ فِيمَ» به مسئله **تکثیر** و **تولید مثل** این ازواج اشاره می‌کند، گرچه خطاب «بِزَوْجِكُمْ فِيمَ» با توجه به ضمیر «کُمْ» به ظاهر تکثیر و تولید مثل انسان را بیان می‌دارد. شاید استفاده از **ضمیر** «کُمْ» که مخصوص عقلت تغلیباً به‌کار رفته و به همه (انسان و انعام) برگردانیده شود

[۷۹] الکشاف، ج ۴، ص ۲۱۲.

[۸۰] المیزان، ج ۱۸، ص ۲۶.

، زیرا حکم تکثیر مثل، با توجه به «ازواج» در مورد چهارپایان دامی نیز جاری است. البته برخی وجه عدم بیان تکثیر انعام را به جهت جلوگیری از کاستن مقام انسان دانسته‌اند

[۸۱] نمونه، ج ۲۰، ص ۳۶۶.

که شاید این توجیه با خود آیه که «ازواج» را برای آدمی و چهارپایان دامی در کنار هم ذکر کرده نقض گردد، چنان که نقض آن با آیاتی که پس از ذکر مجموعه‌ای از نعمت‌ها، آنها را مایه برخورداری انسان و انعام دانسته نیز متصور است.

← اشتراک با انسان در بهره‌مندی از نعمت‌ها

آیت ۳۰-۳۳ **سوره نازعات**

[۸۲] **نازعات/سوره ۷۹، آیه ۳۰-۳۳.**

پس از بیان گسترانیدن زمین و بیرون آوردن آب و رویانیدن چراگاه از آن و... همگی را مایه برخورداری انسان و انعام دانسته است: «وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ نَحْمًا... مَتَّعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ» همچنین آیت ۲۵-۳۲ **سوره عبس**

[۸۳] **عبس/سوره ۸۰، آیه ۲۵-۳۵.**

پس از بیان نزول آب از آسمان و شکافتن زمین با رویبندی‌ها و درختان **میوه** و... هدف آن را برای زندگی انسان و انعام دانسته است: «أَنَا صَبَّبْنَا الْمَاءَ صَبًّا... مَتَّعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ» این خلقت و **تدبیر** که بهره‌مندی انسان و چهارپایان که آن‌ها نیز برای بهره‌مندی انسان آفریده شده‌اند را به همراه دارد، شناخت خداوند و مقام او و شکرگزاری نعمتش را لازم می‌گرداند.

[۸۴] المیزان، ج ۲۰، ص ۱۹۱.

افزون بر اشتراک تولد و **تناسل** میان انسان و انعام، اشتراک در تنوع رنگ نیز در **قرآن** بیان شده است در آیه ۲۷ **سوره فاطر**

[۸۵] **فاطر/سوره ۳۵، آیه ۲۷.**

به دنبال بیان نزول آب از آسمان و رویانیدن میوه‌های رنگارنگ و متنوع و... به پدیده تنوع رنگ انسان‌ها و چهارپایان دامی و... توجه داده شده است که این بیان برای استدلال بر وحدانیت **خداوند** و اختصاص برخی صفات به ذات مقس اوست

[۸۶] التین، ج ۸، ص ۴۲۶.

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا...».

انعام و مبارزه با عقاید جاهلی

در آیه ۳۰ **سوره حج**

[۸۷] **حج/سوره ۲۲، آیه ۳۰.**

پس از بیان برنامه و مناسک حج، اهمیت بزرگ شماری و احترام شعائر و اعمال حج را بیان داشته به حلال بودن چهارپایان دامی، جز مواردی که حکمش را بیان خواهد کرد بر حاجیان می‌پردازد: «... وَأَجَلَتْ لَكُمْ الْأَنْعَامَ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ...» که شاید «ما یُتْلَى عَلَيْكُمْ» به تحریم صید بر مَحْرَم اشاره داشته باشد که در آیه ۹۵ **سوره مائده**

[۸۸] **مائده/سوره ۵، آیه ۹۵.**

آمده است یا ممکن است به تحریم قربانی‌ها برای بت‌ها اشاره باشد.

[۸۹] نمونه، ج ۱۴، ص ۹۰.

در آیه ۳۴ حج

[۹۰] **حج/سوره ۲۲، آیه ۳۴.**

از عمومیت قربانگاه‌ها بین امت‌های مختلف سخن می‌گوید و بردن **نیم خدا** بر چهارپایان دامی را هنگام **قربانی** متکرر می‌شود: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ...» از این آیه فهمیده می‌شود که مراسم قربانی و ذکر نام خداوند بر قربانی، ویژه مسلمانان نیست

[۹۱] مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۳۴.

در آیه ۳۶ حج

[۹۲] حج/سور ۲۲، آیه ۳۶.

نیز بطور خاص به شترهای قرابه که مصداق بارز چهار پایان جهت قربانی هستند، اشاره کرده، آنها را **شعائر** و نشانه‌های خداوند (در حج) دانسته است و مجدداً بردن نام خدا را بر آن‌ها و خوردن و خوراندن گوشتشان را یادآور می‌شود.

در آیت بعد **فلسفه قربانی** چهار پایان دامی در مراسم حج را پیمودن مدارج پرهیزکاری و نزدیک شدن به خداوند می‌داند

[۹۳] نمونه، ج ۱۴، ص ۱۰۹.

چون عرب جاهلی خون قربانی را به **دیوار کعبه** می‌پاشید و برخی مسلمانان به چنین کاری تمایل داشتند، این آیه رسین **خون** و گوشت قربانیان را به خداوند نفی می‌کند

[۹۴] کنز العرفان، ج ۱، ص ۳۱۴.

:«لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا يَمُؤُهَا...».

[۹۵] حج/سور ۲۲، آیه ۳۷.

در آیه ۱۴۵ انعام

[۹۶] انعام/سور ۶، آیه ۱۴۵.

بر محدود بودن محرمت الهی که حریم آن‌ها همواره باید رعایت شود، تأکید می‌کند و چند نمونه همچون مردار، **خون**، گوشت خوک و حیوان حلال گوشتی که هنگام ذبح نام غیر خدا (بتن) بر آن برده شده را نام می‌برد. در آیه ۱۴۶ انعام

[۹۷] انعام/سور ۶، آیه ۱۴۶.

نیز موارد تحریم شده بر **بنی اسرائیل** را برمی‌شمرد. این آیت احتجاجی بر ضد مشرکان است که برخی چهار پایان را **حرام** می‌دانستند و این حرمت را به **خدا** نسبت می‌دادند.

[۹۸] مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۸۲.

← عقاید خرافی مشرکان

از جمله عقاید خرافی مشرکان که در آیت ۱۳۶ ۱۳۹ انعام و آیه ۱۱۹ **سورہ نساء**

[۹۹] نساء/سور ۴، آیه ۱۱۹.

گزارش شده عبارت است از:

۱. قرار دادن سهمی از زراعت و انعام برای خداوند و سهمی برای بت‌ها و امکان الحاق سهم **خداوند** به سهم بت‌ها و عدم جواز عکس: «وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِرَّعْمِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَ مَا كَانَ لِلَّهِ بِهِ فُحُو يُصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ...»

[۱۰۰] انعام/سور ۶، آیه ۱۳۶.

بدین‌سان اگر چهار پایانی از سهم خداوند به طرف سهم بتن می‌رفت، آن را رها می‌کردند؛ ولی اگر از **سهم** بت‌ها به **سهم** خداوند می‌پیوست، آن را باز می‌گرداندند.

[۱۰۱] مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۷۱.

[۱۰۲] جامع البیان، مج ۵، ج ۸، ص ۵۵.

۲. به گمان آن‌ها استفاده از سهم بت‌ها برای متولیان و خدمتگزاران بت‌ها و بتخانه‌ها و مراسم قربانی **جایز** و بر دیگران **حرام** بوده است

[۱۰۳] تفسیر المنار، ج ۸، ص ۱۲۳.

:«وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ بَرَّعْمِهِمْ...».

[۱۰۴] انعام/سور ۶، آیه ۱۳۸.

۳. حرمت رکوب بر برخی چهار پایان دامی و حرمت رکوب و گوشت و شیر بعضی و آزاد گذاشتن برخی دیگر

[۱۰۵] جامع البیان، مج ۵، ج ۸، ص ۶۱-۶۲.

:«... وَأَنْعَمَ حُرِّمَتْ ظُهُورُهُمْ...»

[۱۰۶] انعام/سور ۶، آیه ۱۳۸.

مثلاً رکوب و حمل بار بر «بحیره» (ماده شتری که ۱۰ بار زابیده) و «حام» (شتر نری که ۱۰ بار جفتگیری کرده) و کشتن «**وصیله**» (گوسفند نری که قوی ماده داشته) را ممنوع می‌دانستند یا مثلاً ورود «**سانیه**» (ماده شتری که ۵ بار زابیده) به هر چراگاه و استفاده آن از هر چشمه آب را آزاد می‌دانستند

[۱۰۷] مفردات، ص ۱۰۹، «بحر».

[۱۰۸] مفردات، ص ۲۵۹، «حمی».

[۱۰۹] مفردات، ص ۴۳۱، «وصل».

آیه ۱۰۳ مائده

[۱۱۰] مائده/سور ۵، آیه ۱۰۳.

استناد چنین احکامی را به خداوند که مردم جاهلی به آن اعتقاد داشتند مردود دانسته است: «مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ...» همچنین سوار شدن بر دام‌هایی که به جهت قربانی به مکه برده می‌شدند و نیز استفاده از شیر آن‌ها را ممنوع می‌دانستند

[۱۱۱] جامع البیان، مج ۵، ج ۸، ص ۶۱-۶۲.

[۱۱۲] مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۷۴.

که آیه ۳۳ حج

[۱۱۳] حج/سور ۲۲، آیه ۳۳.

آن را مردود دانسته است.

۴. نبرد نام خداوند بر بعضی چهار پایان دامی هنگام ذبح: «... وَأَنْعَمَ لَا يَنْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ...».

[۱۱۴] انعام/سور ۶، آیه ۱۳۸.

۵. حرمت جنین یا شیر

[۱۱۵] جامع البیان، مج ۵، ج ۸، ص ۶۵.

[۱۱۶] جامع البیان، مج ۵، ج ۸، ص ۶۵.

[۱۱۷] التین، ج ۴، ص ۲۹۱.

انعام بر زنان و جواز آن برای مردان و جواز استفاده از جنین مُرده برای همگی... ما فی بَطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةً لِتُكْرَمْنَا وَ مُحَرَّمٌ عَلَيَّ أَزْوَاجِنَا وَ إِنْ يَكُنْ مَيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءٌ...» [۱۱۸] [انعام/سوره ۶، آیه ۱۳۹](#).

این تحریم نشئت گرفته از اعتقاداتی چون تقدس تولید مثل انعام و پایین بودن ارزش وجودی [زن](#) یا خوف بر [نازایی](#)، ناشزگی و سوء معاشرت زنان بر اثر آن بوده است. [۱۱۹] [التحریر و التتویر، ج ۹، ص ۱۱۱](#).

۶. پرهیز از خوردن [گوشت قربانی](#)، زیرا آن را ویژه تهیدستان و خوردن آن را دون شأن خود می‌پنداشتند. [قرآن](#) این نوع [تفکر](#) را نیز رد کرده، در کنار خوراندن به فقرا، به خوردن از این نوع گوشت فرمان داده است

[۱۲۰] [حج/سوره ۲۲، آیه ۲۸](#).
برخی خوردن گوشت قربانی را به جهت مخالفت با رویه مشرکان و [لجب](#) دانسته‌اند

[۱۲۱] [التفسیر الکبیر، ج ۲۳، ص ۲۹](#).
هر چند بیشتر مفسران این امر را [رخصت](#) دانسته، و [جوب](#) آن را نپذیرفته‌اند

[۱۲۲] [التفسیر الکبیر، ج ۲۳، ص ۲۹](#).
[۱۲۳] [جامع البیان، مج ۱۰، ج ۱۷، ص ۱۹۴](#).

برخی مذاهب [اطعام](#) فقرا را واجب دانسته‌اند.
[۱۲۴] [التفسیر الکبیر، ج ۲۳، ص ۲۹](#).

این مجموعه آیت پس از ذکر این عقاید خرافی، هر کدام را به نوعی محکوم می‌کند؛ مثلاً سهام گذاری برای خداوند و بتن و... را حکمی ناپسند دانسته است: «... سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ» [۱۲۵] [انعام/سوره ۶، آیه ۱۳۶](#).

، زیرا این [عقیده](#) و [حکم](#) افزون بر [شرک](#)، رجحان جانب بت‌ها بر جانب خداوند است
[۱۲۶] [التفسیر الکبیر، ج ۱۳، ص ۲۰۵](#).

یا در جای دیگر این احکام را [دروغ به خدا](#) دانسته، [توییح](#) کرده و [کیفر](#) نزدیک آن را گوشزد کرده است: «... افْتِرَاءٌ عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ» [۱۲۷] [انعام/سوره ۶، آیه ۱۳۸](#).

این نزدیکی کیفر در پایان آیه ۱۳۹ انعام نیز بیان شده است: «... سَيَجْزِيهِمْ وَصَفَّهُمْ...» و در آیه ۱۰۳ [سوره مائده](#)
[۱۲۸] [مائده/سوره ۵، آیه ۱۰۳](#).

این نوع افتراها و دروغ‌ها را بر اثر عدم تعقل کافران می‌داند: «... وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ».

← تشبیه کافران به چهارپایان

قرآن بارها غافلان بی‌خبر را به چهارپایان بی‌شعور تشبیه کرده است که شاید وجه این تشبیه، بهر مندی فراوان غافلان از [خواب](#) و [خوراک](#) و [شهوت](#) باشد، همان چیزی که امیر مؤمنان از آن بی‌زاری جسته و [هذف](#) از آفرینش را غیر از آن دانسته است.

[۱۲۹] [نهج البلاغه، نامه ۴۵](#).

← در بهره‌گیری از متاع دنیا

آیه ۱۲ [سوره محمد](#)

[۱۳۰] [محمد/سوره ۴۷، آیه ۱۲](#).

طی یک نتیجه‌گیری به اختصار به سرگذشت و سرانجام مؤمنان و کافران پرداخته، پس از بشارت مؤمنان و صالحان به [بهشت](#)، کافران را در استفاده و بهره‌گیری از [متاع دنیا](#) به چهارپایان تشبیه کرده، فرجام آن‌ها را گرفتاری در [عذاب دوزخ](#) دانسته است: «... وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ...» از آن‌رو که کافران همی جز خوردن ندارند و همانند دام‌ها که با خوردن بیشتر، به [ذبح](#) نزدیک می‌شوند و اینان نیز با خوردن (بدون تفکر) و گذشت [عصر](#) (بدون اندیشه و [عیرت](#)) به [مرگ](#) و آتش الهی نزدیکتر می‌شوند: «... وَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ»

[۱۳۱] [محمد/سوره ۴۷، آیه ۴۷](#).

این تشبیه به‌کار رفته است.

[۱۳۲] [التفسیر الکبیر، ج ۲۸، ص ۵۲](#).

← عدم تعقل

آیه ۱۷۹ [سوره اعراف](#)

[۱۳۳] [اعراف/سوره ۷، آیه ۱۷۹](#).

نیز ابتدا کافران را به چهارپایان تشبیه کرده، سپس آن‌ها را گمراخته دانسته است. این آیه کافران را چنین وصف می‌کند که با [قلب](#) (عقل) نمی‌اندیشند و [چشم](#) بینا و [گوش](#) شنوا ندارند: «... لَّهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا...» و چون [غفلت](#) ریشه هر گمراهی است در آخر چنین گفته که: «... أُولَئِكَ هُمُ الْغٰفِلُونَ...».

همچنین آیه ۴۴ [سوره فرقان](#)

[۱۳۴] [فرقان/سوره ۲۵، آیه ۴۴](#).

هواپرستان را به انعام تشبیه کرده، سپس آن‌ها را گمراخته دانسته است: «أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَغْمٰرًا مِمَّنْ لَا يَفْقَهُونَ شَيْئًا» شاید وجه گمراخته بودن این باشد که عدم فهم چهارپایان و فقدان گوش شنوا و چشم بینا در آنان، به علت عدم استعداد است؛ ولی انسان‌های هوسران و دنیاطلب که از هر راهی به دنیاطلبی و هوسرانی می‌پردازند (و نه از راه‌های مشروع) طبیعتاً چون استعداد و ابزار هدایت (شنوایی و بینایی) را دارند و آن را به‌کار نمی‌بندند، گمراخته‌ترند، پس اینان چون قوه و قدرت درک و فهم دارند و با وجود این نمی‌اندیشند

[۱۳۵] [التین، ج ۵، ص ۳۸-۳۹](#).

[۱۳۶] [مجمع البیان، ج ۴، ص ۷۷۳](#).

و از حقایق معارفی که برای انسان است غافل‌اند و در حقیقت از [قلب](#) و چشم و گوششان، همان بهره‌ای می‌برند که چهارپایان از آن می‌برند

[۱۳۷] [المیزان، ج ۵، ص ۲۷۰](#).

و بدین‌سان فارق انسان از چهارپایان را از دست داده‌اند، پس گمراهی چهارپایان نسبی و غیر حقیقی است

[\[۱۳۸\] المیزان، ج ۸، ص ۳۳۶.](#)

[\[۱۳۹\] المیزان، ج ۸، ص ۲۳۷.](#)

و در نتیجه این گروه، از چهارپایان گمراخته‌ترند.

از سوی دیگر انعام به دنبال نفع خود بوده، از **ضرر** گریزان‌اند و خداوند را **تسبیح** می‌کنند، افزون بر آن‌که نه **علم** دارند و نه **جهل**، در حالی که اینان جهل وجودشان را گرفته است.

[\[۱۴۰\] التفسیر الکبیر، ج ۲۴، ص ۸۶-۸۷.](#)

در این‌که چرا آن‌ها را با این‌که خوی درنگن را نیز دارند به انعام تشبیه کرده، چنین گفته‌اند که از میان صفات حیوانی، تمتع به خوردن و جهیدن (**شهوتهائی**) که خوی چهارپایان است نسبت به بقیه طبایع و صفات حیوانی دیگر مقدم است، چون جلب نفع بر دفع ضرر مقدم است و اما گمراه خواندن انعام به جهت مقایسه با سعادت زندگی بشری است که آن‌ها مجهز به وسایل تحصیل آن نیستند.

[\[۱۴۱\] المیزان، ج ۸، ص ۳۳۶.](#)

حکم زکات چهارپایان دامی

به اتفاق همه مذاهب اسلامی، **شتر**، **گاو** و گوسفندی که در بیابان بچرند و به **اصطلاح** «**سانمه**» باشند، در صورتی که به **حد نصاب** برسند، **زکات** دارند. **حد نصاب شتر** ۵ نفر و **حد نصاب گاو** و گوسفند به ترتیب ۳۰ و ۴۰ **رأس** است

[\[۱۴۲\] الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل‌البیت، ج ۱، ص ۷۷۴.](#)

[\[۱۴۳\] الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل‌البیت، ج ۱، ص ۷۸۰.](#)

برخی مفسران بحث زکات چهارپایان دامی را ذیل آیه ۱۰۳ **سوره توبه**

[\[۱۴۴\] توبه/سوره ۹، آیه ۱۰۳.](#)

مطرح ساخته‌اند.

[\[۱۴۵\] مجمع‌البیان، ج ۵، ص ۱۰۳.](#)

فهرست منابع

بصائر نوری‌التمییز فی لطائف الکتب العزیز؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ تفسیر التحریر و التنویر؛ تفسیر القرآن العظیم؛ ابن‌کثیر؛ تفسیر القمی؛ التفسیر الکبیر؛ تفسیر المنار؛ التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج؛ تفسیر نمونه؛ جامع‌البیان عن تأویل آی القرآن؛ الجامع لاحکام القرآن، قرطبی؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم؛ زادالمسیر فی علم التفسیر؛ الفرقان فی تفسیر القرآن؛ الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل‌البیت (علیهم‌السلام)؛ الکشاف؛ کنز‌العرفان فی فقه القرآن؛ لسان‌العرب؛ مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن؛ المصباح‌المنیر؛ معجم الفروق اللغویه؛ معجم مقاییس‌اللغه؛ مفردات الفاظ القرآن؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ نهج‌البلاغه.

پانویس

۱. [↑](#) مقاییس‌اللغه، ص ۴۴۶.

۲. [↑](#) مفردات، ص ۸۱۵، «نعم».

۳. [↑](#) تفسیر قرطبی، ج ۱۰، ص ۴۷.

۴. [↑](#) مجمع‌البیان، ج ۴، ص ۵۷۰.

۵. [↑](#) مفردات، ص ۸۱۵.

۶. [↑](#) بصائر نوری‌التمییز، ج ۵، ص ۹۰-۹۱.

۷. [↑](#) لسان‌العرب، ج ۱۴، ص ۲۱۲، «نعم».

۸. [↑](#) المصباح، ص ۶۱۴.

۹. [↑](#) الفروق‌اللغویه، ص ۸۲.

۱۰. [↑](#) تاج‌العروس، ج ۱۷، ص ۶۹۶، «نعم».

۱۱. [↑](#) التنبیل، ج ۶، ص ۳۶۱.

۱۲. [↑](#) التفسیر الکبیر، ج ۱۱، ص ۱۲۵.

۱۳. [↑](#) تفسیر قرطبی، ج ۶، ص ۲۴.

۱۴. [↑](#) الفروق‌اللغویه، ص ۸۲.

۱۵. [↑](#) الفرقان، ج ۷، ص ۳۱۱.

۱۶. [↑](#) التحقیق، ج ۱۲، ص ۱۸۱، «نعم».

۱۷. [↑](#) الفرقان، ج ۱۴، ص ۲۸۰.

۱۸. [↑](#) الموسوعة‌القرآنیة، ج ۳، ص ۴.

۱۹. [↑](#) نحل/سوره ۱۶، آیه ۵.

۲۰. [↑](#) التنبیل، ج ۶، ص ۳۶۱-۳۶۲.

۲۱. [↑](#) مجمع‌البیان، ج ۶، ص ۵۳۹.

۲۲. [↑](#) التنبیل، ج ۶، ص ۳۶۱-۳۶۲.

۲۳. [↑](#) مجمع‌البیان، ج ۶، ص ۵۳۹.

٢٤. [↑ الميزان، ج١٢، ص٢١١.](#)
٢٥. [↑ نمونه، ج١١، ص١٥٩.](#)
٢٦. [↑ نحل/سور١٦، آيه٦.](#)
٢٧. [↑ نمونه، ج١١، ص١٥٩.](#)
٢٨. [↑ جامع البيان، مج٨، ج١٤، ص١٠٨.](#)
٢٩. [↑ التينين، ج٦، ص٣٦٢.](#)
٣٠. [↑ زادالمسير، ج٤، ص٤٣٠.](#)
٣١. [↑ نحل/سور١٦، آيه٧.](#)
٣٢. [↑ مجمع البيان، ج٦، ص٥٣٩-٥٤٠.](#)
٣٣. [↑ تفسير قرطبي، ج٦، ص٢٥.](#)
٣٤. [↑ تفسير قرطبي، ج٦، ص٢٥.](#)
٣٥. [↑ الميزان، ج١٧، ص١٠٩.](#)
٣٦. [↑ شعراء/سور٢٦، آيه١٣٢-١٣٣.](#)
٣٧. [↑ غافر/سور٤٠، آيه٧٩-٨٠.](#)
٣٨. [↑ الميزان، ج١٧، ص٣٥٥.](#)
٣٩. [↑ نمونه، ج٢٠، ص١٨٩.](#)
٤٠. [↑ غافر/سور٤٠، آيه٨٠.](#)
٤١. [↑ زخرف/سور٤٣، آيه١٢.](#)
٤٢. [↑ مؤمنون/سور٢٣، آيه٢٢.](#)
٤٣. [↑ زخرف/سور٤٣، آيه١٣.](#)
٤٤. [↑ التينين، ج٩، ص٩٨.](#)
٤٥. [↑ مجمع البيان، ج٩، ص٨٣٠.](#)
٤٦. [↑ روح المعاني، مج١٣، ج٢٤، ص٨٩.](#)
٤٧. [↑ التينين، ج٩، ص١٨٦.](#)
٤٨. [↑ التفسير الكبير، ج١٩، ص٢٢٧.](#)
٤٩. [↑ حج/سور٢٢، آيه٣٦.](#)
٥٠. [↑ نحل/سور١٦، آيه٦٦.](#)
٥١. [↑ مؤمنون/سور٢٣، آيه٢١.](#)
٥٢. [↑ نمونه، ج١١، ص٢٩٢.](#)
٥٣. [↑ المنير، ج١٤، ص١٧٤.](#)
٥٤. [↑ مجمع البيان، ج٦، ص٥٧٢.](#)
٥٥. [↑ الميزان، ج١٢، ص٢٨٩.](#)
٥٦. [↑ الميزان، ج١٥، ص٢٣.](#)
٥٧. [↑ تفسير قرطبي، ج١٠، ص٨١.](#)
٥٨. [↑ مؤمنون/سور٢٣، آيه٢١.](#)
٥٩. [↑ مؤمنون/سور٢٣، آيه٢٢-٢٣.](#)
٦٠. [↑ فاطر/سور٣٥، آيه٧٢.](#)
٦١. [↑ الميزان، ج١٧، ص٤٣.](#)
٦٢. [↑ انعام/سور٦، آيه١٤٢.](#)
٦٣. [↑ انعام/سور٦، آيه١٤٣-١٤٤.](#)
٦٤. [↑ مجمع البيان، ج٤، ص٥٨١.](#)
٦٥. [↑ الميزان، ج٧، ص٣٦٤.](#)
٦٦. [↑ الميزان، ج٧، ص٣٦٥.](#)
٦٧. [↑ الميزان، ج١٧، ص٢٣٨.](#)
٦٨. [↑ تفسير قمي، ج١، ص٢٤٧.](#)
٦٩. [↑ التينين، ج٤، ص٣٠٠.](#)
٧٠. [↑ مجمع البيان، ج٤، ص٥٨١.](#)
٧١. [↑ مجمع البيان، ج٨، ص٧٦٦.](#)
٧٢. [↑ مجمع البيان، ج٨، ص٧٦٦.](#)
٧٣. [↑ الميزان، ج١٨، ص٢٥٨.](#)
٧٤. [↑ الميزان، ج١٧، ص٢٣٨.](#)
٧٥. [↑ شوري/سور٤٢، آيه١١.](#)
٧٦. [↑ جامع البيان، مج١٣، ج٢٥، ص١٧.](#)
٧٧. [↑ التينين، ج٩، ص١٤٨.](#)
٧٨. [↑ تفسير ابن كثير، ج٤، ص١١٧.](#)
٧٩. [↑ الكشاف، ج٤، ص٢١٢.](#)
٨٠. [↑ الميزان، ج١٨، ص٢٦.](#)

۱۳۹. [↑ الميزان، ج ۸، ص ۲۳۷.](#)
۱۴۰. [↑ التفسير الكبير، ج ۲۴، ص ۸۶-۸۷.](#)
۱۴۱. [↑ الميزان، ج ۸، ص ۳۳۶.](#)
۱۴۲. [↑ الفقه على المذاهب الاربعه و مذهب اهل البيت، ج ۱، ص ۷۷۴.](#)
۱۴۳. [↑ الفقه على المذاهب الاربعه و مذهب اهل البيت، ج ۱، ص ۷۸۰.](#)
۱۴۴. [↑ توبه/سوره ۹، آيه ۱۰۳.](#)
۱۴۵. [↑ مجمع البين، ج ۵، ص ۱۰۳.](#)

منبع

[دائرة المعارف قرآن كريم، برگرفته از مقاله «انعام».](#)